

پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
دوماه‌نامه علمی - پژوهشی، سال هفدهم، شماره اول، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۶، ۴۷-۶۰

## بررسی و نقد کتاب فی تاریخ الأدب العباسی؛ الرؤیة و الفن

ابوالحسن امین مقدسی\*

موسی بیات\*\*، عبدالوحد نویدی\*\*\*

### چکیده

کتاب دانشگاهی امروزه در کنار سایر ارکان آموزش به‌عنوان ابزاری مهم برای آموزش به دانشجویان و آماده‌سازی آن‌ها جهت ورود به جامعه است. از همین رو، نقد کتاب دانشگاهی براساس شاخصه‌های استاندارد زمینه بهره‌وری هرچه بیشتر از این رکن مهم آموزش عالی را فراهم می‌کند. نگارندگان در نوشتار حاضر کوشیده‌اند تا کتاب *فی الأدب العباسی؛ الرؤیة و الفن*، نوشته عزالدین اسماعیل، را بررسی و تحلیل کنند. مهم‌ترین نتایج دست‌یافته عبارت‌اند از: شاخصه‌های ظاهری هم‌چون طرح جلد، طراحی صفحه، و برجسته‌سازی در نگارش رعایت نشده است؛ زبان اثر علمی، شیوا، و به‌دوراز ابهام است و قواعد صرف و نحو در آن رعایت شده است؛ تناسب میان حجم اطلاعات اصلی و جانبی در کلیت اثر رعایت نشده است؛ کتاب موردب‌بحث جامعیت و روزآمدی لازم را ندارد و نتوانسته با کتاب‌های هم‌سطح خود ارتباط برقرار کند و نگارش آن براساس شاخصه‌های استاندارد دانشگاهی نیست.

**کلیدواژه‌ها:** تاریخ ادبیات عباسی، عزالدین اسماعیل، نقد کتاب.

### ۱. مقدمه

---

\* دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تهران، aminmoghaddeci@yahoo.com  
\*\* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)، bayatmoosa@gmail.com  
\*\*\* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران، navidiv@yahoo.com  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۱۲

کتاب از ارکان اصلی نظام آموزش دانشگاهی است و نقش بسیار مهمی در فرایند آموزش دانشجویان دارد. از این رو، نقد کتاب دانشگاهی براساس شاخصه‌های استاندارد و شناخت مزایا و معایب آن بسیار ضروری به نظر می‌رسد. نقد کتاب دانشگاهی فرایندی است که اگر به درستی انجام شود، می‌تواند هر سه ضلع مثلث نویسنده، انتشارات، و دانشجو از آن سود ببرند و در نهایت باعث بالارفتن سطح نظام آموزش عالی کشور می‌شود.

بنا به این ضرورت و رسیدن به بهره‌وری مطلوب در کتاب‌های درسی دانشگاهی، در این نوشتار کتاب *فی التاریخ الأدب العباسی؛ الرؤیة و الفن*، نوشته عزالدین اسماعیل، نویسنده مصری، نقد و بررسی و براساس چهار شاخصه مهم زیر ارزیابی می‌شود:

۱. ارزیابی شکل ظاهری؛

۲. ارزیابی ساختاری؛

۳. ارزیابی زبانی؛

۴. ارزیابی محتوایی.

از پرسش‌های مهمی که این نوشتار در پی پاسخ‌گویی به آن‌ها است عبارت‌اند از: آیا کتاب حاضر شاخصه‌های استاندارد کتاب دانشگاهی را داراست و می‌توان آن را به‌عنوان سرفصل درسی در ماده تاریخ ادبیات عربی ارائه کرد؟ این کتاب تا چه حد دانشجویان را در امر یادگیری درگیر می‌کند و افق‌های تازه‌ای را فراروی آن‌ها باز می‌کند؟ آیا کتاب موردبررسی با سایر کتاب‌های هم‌سطح خود ارتباط برقرار کرده است؟

## ۲. معرفی کلی اثر

کتاب *فی الأدب العباسی؛ الرؤیة و الفن*، نوشته عزالدین اسماعیل، در موضوع تاریخ ادبیات عباسی است و در ۱۹۷۵ توسط انتشارات دارالنهضة العربیة بیروت به‌چاپ رسیده است. نویسنده در این کتاب، بنا به گفته خود، طرحی نو در بررسی تاریخ ادبیات عباسی در انداخته است و به‌جای آن‌که تاریخ سیاسی خلفای عباسی را اساسی برای تقسیم‌بندی قرار دهد تغییرات اجتماعی را مبنای تحول تاریخ ادبیات قرار می‌دهد و براین اساس کلیتی برای تاریخ ادبیات عباسی قائل است که از ابتدا تا انتهای آن در جریان است و آن کلیت همان «استمرار» حوادث و تغییرات اجتماعی است. کتاب از دو بخش «الرؤیة» و «الفن» تشکیل شده و در بخش «الرؤیة» عناصر مهم تحول فراگیر عصر عباسی موردتوجه قرار می‌گیرد و ادبیات تولیدشده در سایه این تغییرات اجتماعی بررسی می‌شود. در بخش دوم به ادبیات

از لحاظ فنی و به‌دوراز شرایط سیاسی و اجتماعی پرداخته می‌شود. کتاب در ۴۴۸ صفحه و ۲ باب آمده است.

### ۳. ارزیابی شکل ظاهری

کتاب درسی دانشگاهی حداقل به‌مدت یک ترم یا بیش‌تر در دسترس چشمی دانشجویان است. بنابراین، دقت در طراحی شکل ظاهری آن امری ضروری است. امروزه، در کنار محتوا، عوامل دیگری هم‌چون طراحی، گرافیک، رنگ، اندازه و نوع نگارش کلمات، و طرح جلد در یادگیری مخاطبان تأثیر به‌سزایی دارد.

### ۱،۳ طرح جلد

جلد بخش نخست از کتاب است که در اولین برخورد چشمی به‌دید می‌آید و درحقیقت شناس‌نامه و معرف محتوای کتاب است.

طرح روی جلد از جمله اولین و مهم‌ترین عوامل تأثیرگذاری اولیه در جذب مخاطب برای خواندن کتاب است و می‌تواند شوق لازم جهت توجه به یک کتاب یا دافعه جهت عدم توجه به آن را دربر داشته باشد (اکبری‌تبار ۱۳۹۱: ۱۲۹).

کتاب فی الأدب العباسی الرؤیة و الفن هرچند به‌صورت پی‌دی‌اف است و اصل آن در اختیار نبوده است، هیچ‌گونه طراحی برای جلد آن استفاده نشده است و فقط عنوان کتاب با فونت عربی (MRT- diwani) در سمت چپ پایین صفحه نوشته شده است. البته، نوع فونت تاحدودی به زبان و جغرافیای فرهنگی و تاریخی اثر اشاره می‌کند. در نسخه حاضر هیچ اطلاعی از طرح پشت جلد و عطف کتاب در دست نیست.

### ۲،۳ حجم کتاب

حجم کتاب ارتباط مستقیمی با هدف و مخاطبان کتاب دارد؛ زیرا اگر کتابی فقط برای کودکان نوشته شود، مخاطب از خواندن آن خسته می‌شود و رهاش می‌کند، اما همان حجم برای مخاطب بزرگ‌سال خالی از اشکال است؛ از طرف دیگر، علاوه‌بر مخاطب، در نظر داشتن تعداد واحدهای درسی برای یک کتاب دانشگاهی بسیار مهم است و «می‌توان گفت برای هر واحد درسی میانگین حدود یک‌صد صفحه مناسب است» (رضی ۱۳۸۸: ۲۱). کتاب فی الأدب العباسی الرؤیة و الفن، با حجم ۴۴۸ صفحه، اگر به‌عنوان منبع درسی برای دانشجویان

کارشناسی انتخاب شود، بسیار حجیم و نامناسب است؛ اما برای دانشجویان کارشناسی ارشد، باتوجه به ارتقای مقطع تحصیلی و افزایش دامنه مطالعات آن‌ها، مناسب است. از دیگر موارد مهم تناسب میان باب‌ها و بخش‌های درونی کتاب است. باب اول کتاب از هفت فصل و باب دوم از سه فصل تشکیل شده است. این ده باب هرکدام به صورت میانگین ۴۰ صفحه را به خود اختصاص داده‌اند و از این جهت نوعی توازن بین فصل‌ها برقرار شده است. اما باب اول از هفت فصل و ۳۰۳ صفحه و باب دوم از سه فصل و ۱۳۱ صفحه تشکیل شده است. این تقسیم توازن بین صفحات را به هم زده است؛ زیرا، بنابه ماهیت، باب اول مقدمه‌ای برای ورود به باب دوم است. پس، باید حجم آن از باب دوم کم‌تر باشد.

### ۳,۳ صفحه‌آرایی و حروف‌نگاری

صفحه‌آرایی و حروف‌نگاری نقش مهمی در جذب مخاطب به خواندن کتاب و ایجاد انرژی و نشاط در زمان خواندن دارد؛ زیرا یادگیری هنگامی اتفاق می‌افتد که حس‌ها تحریک می‌شوند و «با استفاده از روش‌های خاص مانند کادر، تغییر رنگ، حروف، اندازه حروف، و تغییر نوع حروف می‌توان حس بصری را تحریک کرد و یادگیری از متون درسی را ارتقا داد» (جمالی زواره و دیگران ۱۳۸۸: ۲۴). صفحه‌آرایی نیز شکل و شمایل صفحات کتاب است که خواننده در طی زمان خواندن متن با آن مواجه است.

صفحه‌آرایی شبیه به طراحی ساختمان است. گرافیکست با مشورت ویراستار و تأمل در فهرست مطالب کتاب و فصل‌بندی مشخص می‌کند که در آغاز هر فصل چه درگاه و دری بسازد تا خواننده با دیدن آن احساس کند که وارد فضای جدیدی شده است (انوری و پشت‌دار ۱۳۷۷: ۸۲).

در کتاب موردبحث فونت عنوان‌ها «Divani Mazar» و فونت متن اصلی «Traditional Arabic» است. هم‌چنین، بین هر فصل با فصل دیگر یک صفحه سفید گذاشته شده است که این امر همراه با اختلاف فونت و اندازه به خواننده کمک می‌کند تا به راحتی مرز میان فصل‌ها را تشخیص بدهد و به او انسجام فکری می‌دهد.

نگارش متن اصلی با فونت و اندازه واحد است. این روند در تمام متن به همین شکل است و تغییری نمی‌کند. نویسنده حتی آیات، احادیث، اشعار، و اعلام را با همان فونت

اصلی متن وارد می‌کند و هیچ‌گونه برجستگی برای این واژگان به‌وجود نمی‌آورد. تمامی پاراگراف‌های متن به اندازه یک‌سانی تورفتگی دارند. در هر صفحه به‌صورت میانگین ۲۰ سطر وجود دارد که از جهت تعداد مناسب است. فاصله بالا و پایین صفحات و حاشیه سمت صحافی مناسب است؛ اما سمت مقابل صحافی کم است؛ زیرا این قسمت از کتاب به‌ویژه کتاب دانشگاهی به‌خاطر حاشیه‌نویسی دانشجویان در آن از اهمیت بسیاری برخوردار است.

### ۴,۳ زبان متن

هر متنی، بسته به مخاطب خود، زبان ویژه‌ای را می‌طلبد و نقش این زبان در فهم متن بسیار مهم است.

زبان علمی زبانی است شفاف با تعبیرهای مستقیم و دارای ساخت منطقی و نظم و آراستگی، که الفاظ در آن معانی حقیقی دارند و ما را مستقیم و بدون آن‌که برسر کلمات و ترکیبات درنگ کنیم به مدلول رهنمون می‌شود (سمیعی ۱۳۷۸: ۴۴).

بنابراین، در یک کتاب دانشگاهی، که با هدف توضیح و تبیین موضوعی علمی نگاشته می‌شود، شایسته نیست از استعاره، کنایه، ایهام، و جملات دوپهلوی استفاده کنیم؛ زیرا همه این‌ها مانعی بر سر راه درک معنا از طرف مخاطب است. «رسایی متن دانشگاهی به‌معنای آن است که محتوای کتاب، در عین مفهوم‌بودن، با انشایی پاکیزه و فراخور مباحث علمی و آراسته به اصطلاحات و تعبیرهای خاص زمینه‌مربوط تهیه و تدوین شود» (کاردان ۱۳۸۲: ۱۹).

نویسنده از علائم سجاوندی هم‌چون «،»، «؛»، «:»، و «...»، در نگارش متن به‌خوبی و به‌جا استفاده کرده است و در این مورد اشکالی به‌نظر نمی‌رسد. جملات پاراگراف‌ها بیش‌تر به‌صورت کوتاه است و این امر فهم معنی را برای مخاطب روان می‌کند؛ مثال:

هكذا تصیح الشعوبیة مرة هی القول بالتسویة (أی التسویة بین العرب و غیرهم من الشعوب) و مرة هی التعصّب للعجمیة. و الاختلاف بین المعینین واضح و کبیر. و لسانا نملک أمام هذا الاختلاف إلا أن نقول إن لفظة الشعوبیة کانت تطلق علی کلا الفریقین من الناس ... (اسماعیل ۱۹۷۵: ۱۱۰).

گاه برای آن‌که جملات طولانی نشوند، معنی موردنظر خود را به‌صورت تقسیم‌بندی در جملات کوتاه می‌آورد تا از اطناب خودداری کند (برای آگاهی بیش‌تر، بنگرید به همان: ۱۱۰-۱۱۱). زبان متن ساده، شیوا، و به‌دوراز ابهام و پیچیدگی است. آن‌گاه‌که برای

استناد رأی خود به متون قدیم ارجاع می‌دهد و متنی از آن‌ها نقل قول می‌کند، در پاورقی همان صفحه به توضیح واژگان غریب و مهجور می‌پردازد (برای آگاهی بیشتر بنگرید به همان: ۱۱۳، ۱۱۴، ۲۳۵، ۲۳۷، ۲۳۸). به‌کارگیری جملات معترضه در کتاب مورد بحث به وضوح دیده می‌شود؛ به‌عنوان مثال، در فصل چهارم باب اول، که ۲۱ صفحه است، ۲۶ بار از جمله معترضه استفاده شده است و این امر شیوایی زبان متن را مختل می‌کند.

#### ۴. ارزیابی ساختاری

ساختار منظم به‌ویژه در کتاب‌های دانشگاهی نقش بسیار مهمی در انسجام فکری خواننده و جذب او برای خواندن و یادگیری بهتر دارد. «پژوهش‌ها نشان می‌دهند آن دسته از کتاب‌های درسی که سازمان‌دهی بهتری دارند و یا سازمان‌دهی خود را برای خواننده روشن و آشکار می‌سازند بر میزان فهمیدن، به‌خاطر سپردن، و به‌کار بستن اطلاعات آموخته‌شده می‌افزاید» (ملکی ۱۳۸۴: ۱۳).

#### ۱.۴ فصل بندی

عزالدین اسماعیل در مقدمه کتاب را به دو بخش تقسیم می‌کند: در بخش اول به تغییرات و منازعات اجتماعی و سیاسی در صحنه جامعه پرداخته شده است و در بخش دوم ادبیات از لحاظ هنری و متأثر از همان شرایط اجتماعی جامعه بررسی می‌شود. عزالدین اسماعیل، براساس این نگرش و هدف، کتاب را به دو باب تقسیم می‌کند: باب اول هفت فصل و باب دوم سه فصل را دربر دارد. بین باب اول و دوم پیوستگی منطقی وجود دارد؛ زیرا نویسنده در این کتاب قصد دارد ادبیات عباسی را متأثر از شرایط اجتماعی جامعه توضیح دهد. بنابراین، باب اول را به‌عنوان مقدمه باب دوم می‌آورد.

فصول هفت‌گانه باب اول همگی در چارچوب عنوان باب اول (الأدب العباسی فی رحلة العصر) است و هر یک یکی از وجوه تغییرات اجتماعی این دوره را بیان می‌کنند. فصول سه‌گانه باب دوم نیز براساس ترتیب منطقی و زمانی بین آن‌هاست؛ زیرا تغییرات و تحولات اجتماعی باعث تغییر در جهان فکری و ذوق شاعر و به‌تبع آن تغییر در موضوعات شعری می‌شود. در پی تغییر عمیق در دو وجه پیشین زبان شاعر نیز تغییر می‌کند.

#### ۲.۴ اهداف کتاب

نویسنده در مقدمه کتاب هدف خود را چنین بیان می‌کند: «هدف این است که نگرشی واقعی و هنری از عصر بسیار پیچیده عباسی در اختیار دانشجویان گذاشته شود» (اسماعیل ۱۹۷۵: ۹)؛ اما این هدف به صورت کلی فقط در مقدمه کتاب ذکر می‌شود و، برخلاف رویه معمول کتاب‌های دانشگاهی، در ابتدای هر فصل اهداف کلی، جزئی، و رفتاری آن فصل را ذکر نمی‌کند. باید توجه داشت که کتاب دانشگاهی در پی آن است که تغییراتی در حوزه‌های شناختی و رفتاری در مخاطب ایجاد کند و باید «رفتار قابل مشاهده‌ای که موردانتظار است در قالب هدف‌های رفتاری و شرایط عملکرد آن مشخص شود» (رضی ۱۳۸۸: ۲۴). بنابراین، مشخص کردن اهداف بسیار ضروری است که کتاب حاضر از آن بی‌بهره است.

### ۳,۴ ساختار فصل‌ها

کتاب دانشگاهی باید در آغاز هر فصل مقدمه یا پیش‌گفتاری برای ورود به بحث داشته باشد تا این که دانشجو با فضای محتوایی فصل جدید آشنا و زمینه عاطفی و شناختی در او ایجاد شود.

عزالدین اسماعیل در آغاز هر فصل دورنمایی از موضوع موردبحث ارائه می‌دهد تا این که مخاطب را وارد فضای بحث کند و نوعی آمادگی ذهنی برای او ایجاد کند. مثلاً، در آغاز فصل چهارم از باب اول با عنوان «صراع الشعوبیة» آیه کریمه «یا أيها الناس! إننا خلقناکم من ذکر و أنثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا» (حجرات: ۱۳) را می‌آورد و این چنین از همان آغاز مخاطب را وارد بحث می‌کند؛ به‌ویژه آن‌که این در ذهن مخاطب با موضوع شعوبی‌گری پیوند خورده است (اسماعیل ۱۹۷۵: ۱۰۷). اما نکته مهم این است که نویسنده این مقدمه را از متن اصلی هر فصل جدا نمی‌کند، بلکه آن را جزئی از متن می‌آورد و این امر یک عیب به‌شمار می‌رود؛ زیرا خواننده قبل از خواندن متن از طریق ارتباط چشمی با متن متوجه آن مقدمه نمی‌شود.

### ۴,۴ جمع‌بندی اطلاعات، تصاویر، نمودارها، و فهرست‌ها

جمع‌بندی مطالب ارائه‌شده در یک فصل به خواننده کمک می‌کند تا متن را به صورت عمیق یاد بگیرد و در صورت نیاز، با صرف کم‌ترین وقت، آن‌ها را مرور کند. تصاویر و نمودارها داده‌های بسیاری را در یک جا و به صورت خلاصه به مخاطب ارائه می‌دهند. در بسیاری از پژوهش‌های مصاحبه‌ای دانشجویان «ارائه یک مقدمه و خلاصه خوب را در ابتدای فصل

لازم دانستند و اظهار داشتند که از تصاویر، نمودارها و جدول‌ها و نقشه‌ها مطالب زیادی را یاد می‌گیرند» (یارمحمدیان ۱۳۸۸: ۴۴-۴۵).

عزالدین اسماعیل در هیچ‌جای کتاب — نه در پایان فصل‌ها نه در پایان کتاب — به جمع‌بندی و ارائه خلاصه مطالب نمی‌پردازد. علاوه بر این، در هیچ‌جای کتاب پرسش‌هایی از متن کتاب مطرح نمی‌کند و از نمودار، تصویر، و جدول در کتاب بهره نبرده است. این کمبودها عیب بزرگی برای یک کتاب دانشگاهی به‌شمار می‌رود.

## ۵.۴ ارجاع‌دهی

ارجاعات متن کتاب به صورت پاورقی است و کتاب فاقد کتاب‌نامه است؛ درحالی‌که باید تمامی کتاب‌های مورد استفاده متن، در پایان، به صورت کتاب‌نامه ارائه شوند تا این‌که خواننده به راحتی به منبع مورد نظر دست یابد. همین‌طور کتاب فاقد فهرست اعلام، آیات، احادیث، اشعار، و واژگان تخصصی است. نکته مهم دیگر در بحث ارجاع‌دهی آن است که نویسنده هنگامی که از آیات و احادیث استفاده می‌کند به هیچ منبعی ارجاع نمی‌دهد و یا حتی به شکل غیرمعمول در متن به منبع حدیث و آیه اشاره نمی‌کند (برای آگاهی بیشتر، بنگرید به اسماعیل ۱۹۷۵: ۱۰۷، ۱۱۲). در باب اشعار نیز در بیش‌تر موارد به همین شکل عمل می‌کند و فقط قبل از ابیات می‌نویسد که فلان شاعر این چنین می‌گوید (برای آگاهی بیشتر، بنگرید به همان: ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۳۳، ۵۸، ۱۱۲). در ارجاع‌دهی پاورقی اصل بر این است که اثر برای اولین بار به شکل کامل ذکر شود و در دفعات بعد نام نویسنده، نام کتاب — اگر چند کتاب از او در متن استفاده شده باشد — و شماره صفحه نوشته شود. اما در برخی ارجاعات این اصل رعایت نشده و با شکل‌های مختلف ارجاع داده شده است. مثال ارجاع برای بار اول به اثر: «أنظر المسعودی: مروج الذهب، ج ۲، ص ۱۹۴» (همان: ۱۵) و «تاریخ الأمم الإسلامیه، ص ۲۶» (همان: ۳۴). بنابراین، همان‌طور که می‌بینیم، این دو اثر، که برای اولین بار به آن‌ها ارجاع داده شده، به صورت کامل نیامده‌اند. مثال برای ارجاع مکرر اما به شکل متفاوت: «الخضری: نفسه، ص ۲۲» (همان: ۲۵) و «انظر ضحی الإسلام ۳/ ۲۴۸» (همان: ۶۰)، و «ضحی الإسلام ۳/ ۳۱۴» (همان: ۶۸). این دو اثر هر دو در متن تکرار شده‌اند؛ اما به‌هنگام ارجاع یکی با نام مؤلف و دیگری با نام کتاب آغاز شده است.



## ۵. ارزیابی محتوایی

### ۱,۵ روزآمدی

نظریه‌ها و مکاتب نقدی جدید باعث می‌شوند که نگاه خواننده به ادبیات و فهم آن تغییر یابد و خوانش جدیدی از ادبیات و مسائل مربوط به آن به‌دست بی‌آورد. بنابراین، به‌روزرسانی کتاب‌های دانشگاهی امری بسیار ضروری به‌نظر می‌رسد. نکته مهم دیگر در این باره آن است که بخشی از خوانش ادبیات برپایه ذوق است و این ویژگی انسان در طی زمان دگرگون می‌شود. بنابراین، «کتاب درسی باید تازه‌ترین اطلاعات علمی مربوط به موضوع را دربر داشته باشد و مطالب آن هرچندیک‌بار موردتجدید نظر قرار گیرد و به‌روز شود» (رضی ۱۳۸۸: ۲۲).

کتاب فی الأدب العباسی الرؤیة و الفن در ۱۹۷۵، یعنی چهل سال پیش، نوشته شده است. هرچند بر روی جلد کتاب شماره چاپ اول و چاپ حاضر آن نوشته نشده، از زمان چاپ نخست تاکنون بازبینی نشده است.

از موارد بسیار مهم در نگارش کتاب دانشگاهی توجه به:

ویژگی‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی کتاب درسی است. منظور از این هدف مستدل‌بودن، جذاب‌بودن و به‌روزبودن مطالب، مدنظر قراردادن مفاهیم اصلی دانش موردنظر، انطباق مطالب با ویژگی‌های فرهنگی و نیازهای حال و آینده جامعه است (یارمحمدیان ۱۳۸۸: ۴۷).

بنابراین، کهنگی کتاب حاضر از لحاظ روزآمدی عیبی آشکار به‌شمار می‌رود.

### ۲,۵ جامعیت

«کتاب درسی در زمینه موضوع موردنظر خود باید جامع باشد. جامع‌بودن مطالب کتاب درسی بدین معنا نیست که دارای جایگاهی برای گردآوری هر مطلبی است» (رضی ۱۳۸۸: ۲۳). البته، همان‌طور که گفته شد، کتاب درسی نمی‌تواند همانند دایرةالمعارف همه اطلاعات را در خود جای دهد؛ بلکه متناسب با اهداف کتاب، که معمولاً نویسنده در مقدمه یا در آغاز هر فصل به آن اشاره می‌کند، باید همه سرفصل‌های مربوط به موضوع خود را داشته باشد.

عنوان کتاب «فی الأدب العباسی؛ الرؤیة و الفن» است. واژه «الأدب» تمامی فنون ادبیات از شعر تا نثر را شامل می‌شود و واژه «العباسی» طول دوره حکومت عباسیان، از سقوط امویان

در ۱۳۲ ق تا سقوط بغداد در ۶۵۶ ق، را دربر دارد. هرچند عناوین برخی از کتاب‌های تاریخ ادبیات هم‌چون تألیفات شوقی ضیف و عمر فروخ به این شیوه است، ایشان بعد از این عنوان به‌وسیله واژگانی دیگر هم‌چون «الأول» یا «الثانی» گستره آن را محدود کرده‌اند. اما عزالدین اسماعیل بعد از عنوان فقط دو واژه «الرؤية» و «الفن» را آورده است که این دو واژه فقط نگرش و روش کاری او را مشخص می‌کنند و گستره زمانی یا حوزه ادبیات را محدود نمی‌کنند. نویسنده در مقدمه کتاب اصرار بر آن دارد که تاریخ عباسیان ماهیت واحدی دارد که از ابتدا تا انتها ادامه داشته است و «تصور صحیح از دوره عباسی تصور یک‌پارچه و نه جداگانه است و ما براساس همین تصور کتاب حاضر را نوشتیم» (اسماعیل ۱۹۷۵: ۸). و در ادامه بیان می‌کند:

عصر عباسی عصر بسیار پیچیده‌ای است که از درگیری‌ها و نزاع‌های اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی تشکیل شده است و همه این‌ها را باید در ارتباط با یک‌دیگر بررسی کنیم ... و فهم ادبیات، به‌عنوان منعکس‌کننده این تغییرات، جز در سایه آن‌ها امکان‌پذیر نیست (همان).

درباره واژه ادبیات باید گفت که نویسنده آن را به‌صورت عام آورده است. بنابراین، خواننده انتظار دارد در این اثر شعر و نثر دوره عباسی باهم بررسی شود؛ اما کتاب در هیچ‌کدام از فصل‌های خود به بررسی نثر دوره عباسی و تحلیل نمونه‌هایی از آن نمی‌پردازد. و باب دوم کتاب، که به بررسی ادبیات متأثر از تغییرات اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی مربوط است، به‌صورت کامل به شعر اختصاص یافته است و این امر از عناوین فصل‌های باب دوم به‌خوبی مشخص است.

پذیرفتنی است که دوره طولانی حکومت عباسی را نمی‌توان در یک جلد کتاب دانشگاهی بررسی کرد؛ اما کتاب موردبحث به بسیاری از جریان‌های مهم و تأثیرگذار در دوره عباسی پرداخته است؛ مهم‌ترین آن‌ها، که نقش مهمی در زندگی اجتماعی مردم، احساس، ذوق، و به‌تبع آن در ادبیات داشته‌اند، عبارت‌اند از: شورش‌های مهم مخالفان عباسیان همانند «ثورة الزنج» و «ثورة القرامطة»، استیلای ترک‌ها بر مقالید حکومت، رواج مجون و فسق در بین مردم، و تأثیر آن در شعر، ترجمه آثار فلسفی و حکمی، و رشد حیات عقلی.

۳,۵ ارتباط محتوایی با سایر دروس

کتب دانشگاهی همراه کتاب‌های دیگر، که در یک مجموعه قرار می‌گیرند، نقش هم‌افزایی در جهت رشد فکری دانشجویان دارند و خواننده با کمک این مجموعه به درک درستی از موضوع دست می‌یابد.

یکی از شاخص‌های اثربخش بودن برنامه درسی و به تبع آن کتاب‌های درسی و سایر مواد آموزشی میزان و نوع ارتباط آن‌ها با یکدیگر است. هر قدر مواد درسی بیش‌تر به یکدیگر مربوط باشند، امکان برقراری ارتباط بین آن‌ها بیش‌تر است (ملکی ۱۳۸۵: ۱۵).

برخی از دروس در سلسله طولی با دروس دیگر پیوستگی دارند و بعضی از دروس ارتباط هم‌زمانی باهم دارند؛ یعنی هم‌زمان در یک دوره درسی ارائه می‌شوند. محتوای کتاب‌های درسی باید آن‌گونه باشد که امکان ارتباط با سایر دروس وابسته را برای دانشجو فراهم کند (متین ۱۳۸۲: ۹۴-۹۵). این ارتباط می‌تواند از طریق پیوند مطالب به دانسته‌های قبلی، طراحی پرسش و پژوهش‌هایی که نیاز به مراجعه به منابع طولی یا هم‌زمانی باشد.

عزالدین اسماعیل در ابتدای فصول هفت‌گانه باب اول کتاب، آن‌گاه که می‌خواهد یکی از مسائل مهم اجتماعی را مطرح کند، از دوره صدر اسلام و امویه دورخیز برمی‌دارد و این چنین ذهن خواننده را با کتاب‌های مرتبط با کتاب حاضر پیوند می‌دهد. برای نمونه درباره درگیری بین عرب و روم چنین می‌گوید:

پیدایش نزاع بین عرب و روم در دوره عباسی نبوده است، بلکه تاریخ این نزاع قدیمی را می‌توان ظهور اسلام دانست؛ زیرا که شعار اسلام جهاد در راه خدا بوده و عرب‌های مسلمان برای نشر دین اسلام به سمت سرزمین‌های مجاور خود روانه شدند ... (اسماعیل ۱۹۷۵: ۱۳۰).

نویسنده در مقدمه کتاب به هیچ اثری به‌عنوان پیشینه پژوهش در سطح طولی یا در سطح هم‌زمانی اشاره نمی‌کند. در متن کتاب نیز خواننده با هیچ پرسشی روبه‌رو نمی‌شود که دست‌یابی به پاسخ آن‌ها به مراجعه به سایر کتاب‌های مرتبط نیاز داشته باشد.

باین‌که در زمان تألیف کتاب حاضر، کتاب‌های دیگری در تاریخ ادبیات عربی هم‌چون کتاب *تاریخ الأدب العربی* (۱۹۶۱)، نوشته کارل برکلمان، کتاب *تاریخ آداب اللغة العربیة* (۱۹۵۷)، نوشته جرجی زیدان، کتاب *تاریخ الأدب العربی* (۱۹۶۶)، نوشته شوقی ضیف، و کتاب‌های دیگری نوشته شده و این کتاب‌ها در اختیار عزالدین اسماعیل بودند، پیوندی بین

کتاب حاضر و این مجموعه از کتاب‌های هم‌سطح وجود ندارد. عزالدین اسماعیل از میان این دسته از کتاب‌ها به صورت مکرر به کتاب *ضحی‌الاسلام* احمد امین ارجاع می‌دهد. اما در تمام متن کتاب دو بار به شوقی ضیف (اسماعیل ۱۹۷۵: ۱۰۱، ۲۰۶)، یک بار به *اتجاهات الشعر العربی فی القرن الثانی*، نوشته محمد مصطفی هداره (همان: ۱۲۱)، و یک بار به *تاریخ الأدب العربی* رینولد نیکلسون (همان: ۳۶۲) ارجاع می‌دهد. بدیهی است که این حجم از ارجاع بسیار کم و ناچیز است و برای این کتاب به عنوان سرفصل دانشگاهی عیب به‌شمار می‌رود.

### ۴,۵ ظرفیت مطالب کتاب در ایجاد ارتباط با موضوعات میان‌رشته‌ای

در گذشته هریک از شاخه‌های دانش بشری بدون در نظر گرفتن پیوند آن‌ها با سایر دانش‌ها بررسی و تحلیل می‌شد؛ اما

امروزه، مباحث میان‌رشته‌ای و فرارشته‌ای جایگاه ویژه‌ای در تحقیقات علمی دارند. این دیدگاه محصول تعامل بین دو یا چند رشته علمی برای پژوهش درباره مسئله‌ای است و نتیجه آن وحدت‌بخشی به دانش‌های متفاوت در عصر کنونی است (رضی ۱۳۸۸: ۲۳).

درحقیقت، با نظریات جدیدی که در حوزه علم مطرح شده است نمی‌توان هیچ دانشی را محدود و منحصر به مرزهای خود در نظر گرفت و «سیر پیشرفت علوم به ما می‌آموزد که علم به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر بین رشته‌ای است و علوم، علی‌رغم محدود بودن، در چارچوب رشته علمی، بخشی از روایت‌های دانش‌های دیگرند» (رها دوست ۱۳۸۲: ۲۰۰).

ادبیات، به عنوان یکی از شاخه‌های علوم انسانی، در پیوندی ناگسستنی با رشته‌هایی چون تاریخ، علوم اجتماعی و سیاسی، روان‌شناسی، و اقتصاد است. بنابراین، تحلیل‌گر تاریخ ادبیات ضرورت دارد در اثر خود بین ادبیات و این دسته از علوم پیوند برقرار کند. عزالدین اسماعیل در متن کتاب، بنابه ضرورت، به مسائل تاریخی و سیاسی می‌پردازد. اما این پردازش با نوعی نگاه سنتی با علوم همراه است؛ نه این‌که در تحلیل تاریخ ادبیات از نظریات جدید جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، و روان‌شناسی استفاده کند. بنابراین، از آنجایی که کتاب حاضر در تحلیل‌های خود از نظریات جدید سایر رشته‌های علوم انسانی استفاده نکرده است، انگیزه و دغدغه لازم برای مطالعه این علوم در خواننده کتاب حاضر ایجاد نمی‌شود.

### ۵,۵ طرح سؤال‌های جدید و افق‌های تازه

رسالت کتاب درسی دانشگاهی، با توجه به مخاطب ویژه‌اش، فقط انتقال اطلاعات نیست؛ بلکه «باید مطالب آن بتواند سؤال‌های جدیدی در ذهن دانشجویان ایجاد کند و افق‌های تازه‌ای پیش روی آن‌ها بگشاید. این هدف از طریق برانگیختن حس کنجکاوی و کاوش‌گری در دانشجویان و آموزش تفکر انتقادی به آنان تحقق می‌یابد» (رضی ۱۳۸۸: ۲۳). بنابراین، آموختن روش اندیشیدن و نه اندیشه‌ها رسالت یک کتاب دانشگاهی موفق است. درحقیقت، رسالت کتاب دانشگاهی با خواندن متن به پایان نمی‌رسد، بلکه با ایجاد چالش‌هایی در آموخته‌های قبلی دانشجو فرایند یادگیری را تا مدت‌ها ادامه می‌دهد؛ بنابراین، «کتاب‌های درسی باید طوری طراحی شوند که، با طرح مسائل و سؤال‌ها و فعالیت‌های یادگیری، فرصت‌های یادگیری بیشتر برای دانشجویان فراهم» نمایند (ملکی ۱۳۷۶: ۱۵۳).

عزالدین اسماعیل می‌بایست در مقدمه به طرح پرسش‌هایی در انگیزه نگارش کتاب می‌پرداخت. اما خالی بودن مقدمه از طرح سؤال باعث سردرگمی دانشجو می‌شود. علاوه بر این، کتاب دانشگاهی در آغاز فصل‌ها سؤالاتی را مطرح می‌کند که از دانشجو انتظار می‌رود در پایان فصل بتواند به آن‌ها پاسخ دهد؛ اما در آغاز فصل‌های این کتاب سؤالی مطرح نشده است. البته، در متن کتاب گاهی پرسش‌هایی مطرح می‌شود که نویسنده در پی جلب موافقت و همراهی خواننده با خود است؛ اما از نوع پرسش‌های چالشی، انتقادی، و راهبر نیستند (برای آگاهی بیشتر، بنگرید به اسماعیل ۱۹۷۵: ۹۶، ۱۱۶). بنابراین، نویسنده نتوانسته است با طرح پرسش‌های مناسب افق جدیدی فراروی خوانندگان باز کند، بلکه در پی آن است تا به عنوان متکلم وحده اطلاعاتی را به مخاطب انتقال دهد.

## ۶. نتیجه‌گیری

شاخصه‌هایی هم‌چون طرح جلد، طراحی صفحه، و حروف‌نگاری در کتاب فی الأدب العباسی؛ الرؤیة والفن به خوبی مورد توجه قرار نگرفته‌اند و از این نظر کتاب استانداردهای دانشگاهی را ندارد.

حجم باب‌ها متناسب با میزان اهمیت آن‌ها نیست. باب اول، به عنوان مقدمه، دارای هفت باب است و دربردارنده حجم بیشتری از صفحات؛ اما باب دوم، به عنوان متن اصلی، شامل سه فصل است و دربردارنده حجم کم‌تری از صفحات. البته، تناسب در متن هر فصل و نه در کلیت کتاب رعایت شده است. همین‌طور کتاب خالی از هرگونه جمع‌بندی، تصاویر، و جدول است.

زبان اثر زبانی علمی، شیوا، و به‌دوراز ابهام و پیچیدگی است و خواننده به‌راحتی معنی را درمی‌یابد. از علائم سجاوندی به‌خوبی استفاده شده؛ اما گاهی تعداد زیاد جملات معترضه درک معنی را مشکل می‌کند.

باتوجه‌به نگارش کتاب در ۱۹۷۵ و دستاوردهای جدید در این حوزه، کتاب حاضر اثری نو و جدید شناخته نمی‌شود. عنوان کتاب نظم و نشر تمام دوره عباسی را دربر می‌گیرد؛ اما متن کتاب این جامعیت را ندارد. ازطرفی، کتاب نتوانسته است با سایر سرفصل‌ها و کتاب‌های هم‌سطح خود ارتباط داشته باشد. اگرچه از منابع کهن به‌خوبی استفاده کرده است. نویسنده باید در کنار انتقال حجمی از اطلاعات و دانسته‌های خود به مخاطب پرسش‌های جدیدی در ذهن او ایجاد کند و این چنین او را وادار به خواندن منابع جدید و مرتبط با موضوع کند. عزالدین اسماعیل در این زمینه ناموفق بوده است. باتوجه‌به نتایج گفته‌شده، کتاب موردبحث می‌تواند به‌عنوان یک منبع کمک‌آموزشی برای درس تاریخ ادبیات عربی و نه سرفصل اصلی در دوره کارشناسی ارشد ارائه شود.

## کتاب‌نامه

### قرآن کریم

- اسماعیل، عزالدین (۱۹۷۵)، *فی الأدب العباسی؛ الرؤیة و الفن، بیروت: دار النهضة العربیة*.
- اکبری تبار، علی اکبر (۱۳۹۱)، «مطالعه‌ای درباب فرایند طراحی جلد کتاب، به‌هم‌راه نتایج نظرسنجی درمورد طرح جلد کتاب‌های انتشارات سوره مهر»، فصل‌نامه تحلیلی - پژوهشی کتاب مهر، ش ۵.
- انوری، حسن و علی محمد پشت‌دار (۱۳۷۷)، *آیین نگارش و ویرایش (۲)*، تهران: دانشگاه پیام نور.
- جمالی زواره، بتول و دیگران (۱۳۸۸)، «بررسی معیارهای روان‌شناختی تألیف و تدوین کتاب‌های درسی دانشگاهی»، *مجله عیار*، ش ۲۳.
- رضی، احمد (۱۳۸۸)، «شاخص‌های ارزیابی و نقد کتاب‌های درسی دانشگاهی»، *مجله سخن سمت*، ش ۲۱.
- رهادوست، بهار (۱۳۸۲)، «رویکرد بین‌رشته‌ای و مطالعات ادبی»، *زیباشناخت*، ش ۹.
- سمیعی، احمد (۱۳۷۸)، *نگارش و ویرایش*، تهران: سمت.
- کاردان، علی محمد (۱۳۸۲)، «نقش کتاب دانشگاهی و ویژگی‌های آن»، *مجله سخن سمت*، ش ۱۰.
- متین، پیمان (۱۳۸۲)، «کتاب درسی معیار در انگلستان و ویژگی‌های آن»، *مجله سخن سمت*، ش ۱۳.
- ملکی، حسن (۱۳۷۶)، *برنامه‌ریزی درسی: راهنمای عمل*، تهران: پیام اندیشه.
- ملکی، حسن (۱۳۸۴)، «شیوه طراحی و تألیف کتب درسی»، *مجله سخن سمت*، ش ۱۵.

بررسی و نقد کتاب فی تاریخ الأدب العباسی؛ الرؤیة و الفن ۶۱

ملکی، حسن (۱۳۸۵)، «مبانی و معیارهای نقد کتاب درسی دانشگاهی»، مجله سخن سمت، ش ۱۷.  
یارمحمدیان، حسین و دیگران (۱۳۸۸)، «ارزیابی کتاب‌های درسی دانشگاهی علوم انسانی براساس  
شاخص‌های مطلوب کتاب‌های درسی دانشگاهی»، مجله عیار، ش ۲۳.